



سوره مبارکه بقره
آیه ۱۸۶

متکبر مهربان

آدم متکبر هیچ وقت حاضر نمی شود سرش را پایین بیاورد تا حرف یک آدم معمولی را بشنود. مثلاً هیچ پادشاه متکبری برای حرف مردم تره خرد نمی کند. البته آدمی زاد- پادشان باشد یا رعیت- غلط می کند که تکبر داشته باشد! تکبر مال خداست و منحصر است در ذات او. حالا همین خدا به پیغام رسان خود یک پیام ویژه می دهد: «پیامبر من؛ اگر مردم- معمولی یا غیر معمولی- از تو درباره من پرسیدند...» انگاه ر خدا دیگر نمی خواهد پیامبر واسطه باشد؛ وگرنه می فرمود: «پیامبر من به ایشان بگو» اما همین قدر هم ما را معطل نکرد و خودش جواب داد: «اگر از تو درباره من پرسیدند، پس من نزدیکم... نزدیک!»

چقدر مهربان این خدای متکبر و چقدر حواس ما پرت از است از این خدای مهربان متکبر! که اگر پرت نبود، ادامه آیه را خوب می خواندیم و خوب عمل می کردیم:

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ
فَلَيْسَتْ جِيبُوا لِي وَلِيُؤْمِنُوا لِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

و هرگاه بندگان من از تو درباره من پرسند، بدانند که من به آنان نزدیکم؛ دعای دعاکننده را- آن گاه که مرا بخواند- اجابت می کنم؛ پس باید دعوت مرا بپذیرند و به درگاه من دعا کنند و به من ایمان بیاورند که دعایشان را اجابت می کنم، امید آن که در دعایشان به درگاه خدا راهیاب شوند.

